

با «مهناز عسگری» درباره اهمیت فرهنگ‌نامه‌ها



تربیت فلسفی ذهن کودک



● سمانه آزاد

اشاره

«فرهنگ فارسی بچه‌های امروز» یکی از برگزیدگان هشتمین جشنواره کتاب‌های آموزشی رشد، در گروه کتاب‌های مرجع است. **مهناز عسگری**، به همراه همسرش **مهدی ضرغامیان** که هر دو دانش‌آموخته رشته زبان‌شناسی هستند، بعد از نزدیک به پنج سال تحقیق، این فرهنگ‌نامه را تألیف کرده‌اند. «فرهنگ فارسی بچه‌های امروز» نخستین لغت‌نامه فارسی برای دانش‌آموزان دوره دبستان محسوب می‌شود که شامل ۳۵۰۰ کلمه است. مهناز عسگری که پیش از این نیز در حوزه فرهنگ‌نویسی فعالیت داشته است، اهمیت استفاده از لغت‌نامه‌ها و فرهنگ‌نامه‌ها را برای کودک بیش از دایره‌المعارف‌ها می‌داند و معتقد است، ذهن کودک وقتی تربیت فلسفی پیدا می‌کند که بتواند تعریف دقیق و منسجمی از مقوله‌های اطرافش ارائه دهد.

■ درباره کتاب «فرهنگ فارسی بچه‌های امروز» که جزو برگزیده‌های جشنواره بود، توضیح می‌دهید؟

فرهنگ فارسی بچه‌های امروز همان‌طور که از نامش پیداست، جزو کتاب‌های مرجع است و متأسفانه یا خوش‌بختانه، نخستین لغت‌نامه فارسی برای بچه‌های دوره دبستان است که من و همسر من به‌طور مشترک آن را تألیف کردیم. مخاطب این کتاب بچه‌های سوم تا پنجم ابتدایی هستند و نخستین فرهنگ فارسی برای بچه‌های این سن محسوب می‌شود که موقعیت ذهنی و زبانی بچه‌ها در آن در نظر گرفته شده است. یعنی کلمه‌هایی که انتخاب شده‌اند و معنای آن‌ها، به طور ۱۰۰ درصد با آنچه در فرهنگ‌های لغت بزرگ‌سالان و یا عمومی می‌بینیم، متفاوت است.

در این لغت‌نامه، کلمه‌ها بسیار ساده معنی شده‌اند و در آن از پیچیدگی‌ها و فشرده‌گی‌هایی که در توصیف مدخل‌های لغت‌نامه‌های بزرگ‌سالان وجود دارد، خبری نیست. مثلاً اگر کلمات معنی دوم و سوم و یا بیشتر دارند، ترجیحاً در این کار دو معنی را ذکر کرده‌ایم.

■ دلیل این کارتان چه بود؟

بچه‌های دوره دبستان به مهارت‌ها و پیچیدگی‌های زبانی دست پیدا نکرده‌اند یا حساسیت‌هایی را که ما در برخورد با کلمه‌ها داریم، بچه‌ها ندارند. آن‌ها با معانی ملموس‌تر و غیرانتزاعی‌تر کلمه‌ها برخورد می‌کنند. تقریباً از دوره نوجوانی به بعد است که متون پیچیده‌تر می‌شوند و مفاهیم انتزاعی هم وارد می‌شوند. طبیعتاً در فرهنگ لغت مربوط به این سنین هم باید به این تفاوت‌ها توجه شود.

به هر حال ما سعی کرده‌ایم معانی را برای بچه‌ها ملموس کنیم و اگر کلمه‌ای معانی و کاربردهای متفاوتی دارد، تنها به یک یا دو مورد اکتفا کنیم.

■ ویژگی‌های دیگر فرهنگ‌نامه فارسی بچه‌های امروز چیست؟

کار دیگری که ما در این فرهنگ‌نامه انجام داده‌ایم این است که مقوله‌های دستوری کلمه‌ها را هم تعیین کرده‌ایم؛ چرا که هدف ما دقیقاً تولید یک لغت‌نامه به معنی «Dictionary» بود؛ یعنی کتابی که شناسنامه کلمه را به شکل‌های گوناگون ارائه دهد. اولین شناسه‌ای که ما برای کلمه‌ها قائل هستیم، مقوله دستوری آن‌هاست. بنابراین این موضوع را هم برای بچه‌ها بیان کرده‌ایم تا توجه آن‌ها به این موضوع نیز جلب شود.

ضمناً اگر کلمه‌ای معنای عکس یا هم‌خانواده داشت، به آن هم اشاره کرده‌ایم تا ریشه کلمه هم برای آن‌ها مشخص شود. در این صورت است که بچه‌ها در گفتار و نوشتار غنای واژگانی بیشتری پیدا می‌کنند. کار متفاوتی هم ما در این خصوص انجام داده‌ایم که هدفش حساس کردن ذهن بچه‌ها نسبت به زبان بوده است. کلمه‌های قرضی که از زبان‌های دیگر وارد زبان فارسی شده‌اند را مشخص کرده‌ایم. قصد ما این بوده است که به بچه‌ها بگوییم، وقتی دنبال اطلاعاتی درباره یک کلمه می‌گردید، باید سراغ فرهنگ لغت بروید و یکی از مطالبی که باید بدانید این است که این کلمه قرضی است یا نه.

ما در این فرهنگ‌نامه، حدود ۱۷۰ کلمه را هم که بار دایره‌المعارفی دارند، برگزیده‌ایم و علاوه بر این که آن‌ها را معنی کرده‌ایم و توصیف زبانی آن‌ها را ارائه داده‌ایم. اطلاعات دایره‌المعارفی درباره آن کلمه‌ها را هم ذکر کرده‌ایم. هم‌چنین، بچه‌ها را تشویق کرده‌ایم که برای کسب اطلاعات بیشتر به مقاله‌های مربوط به موضوع مراجعه کنند. مثلاً بعد از تعریف کلمه «آب»، اطلاعات دانش‌نامه‌ای و هر چه را که مربوط به آن را می‌تواند و هر مطلبی که بتوان درباره آن به‌دست بیاورد را به مخاطب



معرفی کرده‌ایم و در پایان مقاله نیز، به مخاطب مربوط به موضوع «لینک» داده‌ایم. هدفمان از این کار آن بوده است که حس جست‌وجوگری و کنجکاوی را در دانش‌آموز تقویت کنیم تا از همان ابتدای دوره دانش‌اندوزی بیاموزد که تنها به یک منبع مراجعه نکند و اگر می‌خواهد اطلاعاتش را گسترده‌تر و عمیق‌تر کند، باید به سراغ منابع و متون متنوعی برود. به همین دلیل وقتی دانش‌آموز فرهنگ فارسی بچه‌های امروز را می‌خواند، می‌تواند ساعت‌ها از یک‌جا به جای دیگر مرتبط شود و مطالعه کند.

■ با این توصیفات به نظر می‌رسد که تألیف این کتاب روندی طولانی داشته است.

این کار از سال ۱۳۷۸ شروع شد. ابتدا کارهایی مانند فیش‌برداری و جمع‌آوری مدخل‌ها را انجام دادیم. سپس به‌طور آزمایشی در مجله‌هایی مثل «رشد کودک» و «رشد دانش‌آموز»، کلمه‌هایی را از متون آن‌ها انتخاب و در انتهای مجله معنی می‌کردیم. روند انجام این کارها تا سال ۱۳۸۶ که به تألیف و انتشار «فرهنگ فارسی بچه‌های امروز» منجر شد، طول کشید. شاید بدون اغراق بتوان گفت که ما دو نفر نزدیک به پنج سال درگیر این کار بودیم تا بتوانیم آن را به این شکل که هست دریاوریم.

■ برای انتخاب این ۳۵۰۰ کلمه چه معیارهایی داشتید؟

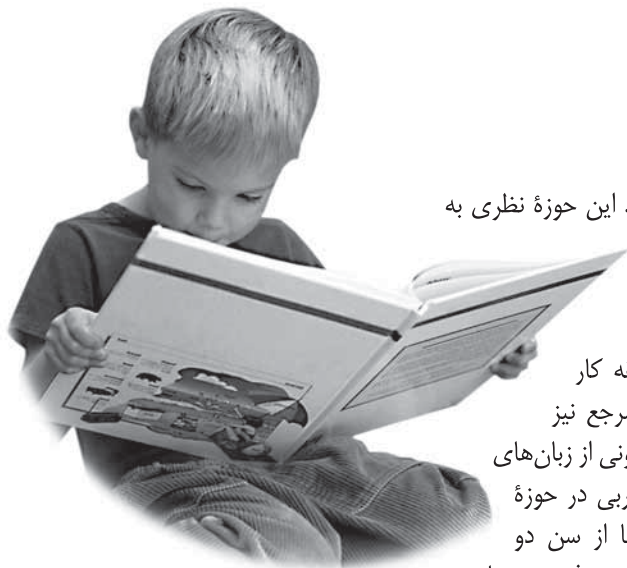
ببینید، نخستین مشکلی که متأسفانه ما با آن روبه‌رو شدیم، این بود که وقتی شروع به جمع‌آوری مدخل‌ها کردیم، یک پیکره زبانی کامل موجود نبود. تنها کاری که ما می‌توانستیم انجام دهیم، رجوع به کتاب‌های درسی بود. بنابراین کتاب‌های درسی دوره دبستان را بررسی کردیم. ضمن این‌که چون کار ما در حوزه ادبیات کودک و نوجوان بود، به منابع دیگری در این حوزه رجوع کردیم.

ما پیش از این، کتاب «فرهنگ فارسی کودک» را که شامل ۱۴۰۰ کلمه بود، منتشر کرده بودیم که همه کلمات آن حتماً باید در فرهنگ فارسی بچه‌های امروز لحاظ می‌شد. برای گسترش کار، ۲۵۰۰ کلمه دیگر را از همین منابع و همچنین از طریق رجوع به فرهنگ‌های فارسی عمومی و اعتماد به شمع زبانی خودمان، به‌دست آوردیم. به این ترتیب ۳۵۰۰ کلمه انتخاب و معنی‌کردنشان را شروع کردیم.

■ بیشتر آثار شما و آقای ضرغامیان در حوزه کتاب‌های مرجع و فرهنگ‌نامه‌هاست. گرایش شما به این کار علت خاصی دارد؟

این کار ما دو علت مهم داشت: یکی زمینه علمی مشترکی بود که من و همسر داشتیم؛ هر دوی ما تحصیل‌کرده رشته زبان‌شناسی بودیم و خود به خود علائقی که در این حوزه داشتیم،

به یاد داشته باشیم که باید کودک را نسبت به موضوعی حساس کنیم تا برایش سؤال پیش بیاید. حالا اگر سؤالات واژگانی برای دانش‌آموزان پیش بیاید، معلم چه منابعی در اختیار دارد که به بچه‌ها معرفی و یا سر کلاس از آن استفاده کند؟



تأثیر بسیاری در تألیف و ترجمه کارهایمان داشت. این حوزه نظری به ما کمک کرد که به طرف حوزه‌ای که در آن خلأ حس می‌شد، پیش برویم. در واقع علت دوم همین خلأ بود.

موضوع دیگری هم که به ما کمک کرد، سابقه کار ما در حوزه کودک و نوجوان بود و به کارهای مرجع نیز علاقه داشتیم. فرهنگ‌نامه‌ها و لغت‌نامه‌های گوناگونی از زبان‌های انگلیسی، فرانسوی، ایتالیایی، اسپانیایی و حتی عربی در حوزه کودک و نوجوان دیده بودیم. یعنی برای بچه‌ها از سن دو سالگی، فرهنگ‌نامه‌ها و لغت‌نامه‌هایی متناسب با رشد ذهنی و زبانی

کودک در دیگر کشورها تهیه می‌شود. اما برای بچه‌های ما، به‌خصوص در سنین پایین، هیچ حرف و سخنی از فرهنگ‌نامه و فرهنگ لغت نبود. یک یا دو کار در این زمینه انجام شده بود، اما از نظر ما کامل و بی‌نقص نبود و ایرادهای زیادی داشتند و بیشتر روی کلمات عمومی و علم کار شده بود. بنابراین به این حوزه خالی که همیشه مورد توجه ما بود و از جنبه نظری هم به آن علاقه داشتیم، قدم گذاشتیم.

ما فکر کردیم: چرا بچه‌های ما کتاب مرجع بسیار مهمی به اسم لغت‌نامه یا فرهنگ‌نامه نداشته باشند؟ اگر از نظر علمی هم بخواهیم این مسئله را بررسی کنیم، در میان کتاب‌های مرجع، لغت‌نامه پیش از دایره‌المعارف قرار می‌گیرد. چون در لغت‌نامه کلمه تعریف می‌شود و اگر کودک از سنین پایین‌تر یاد بگیرد که تعریف دقیق‌تر، منسجم‌تر و شفاف‌تری از مقوله‌های اطرافش داشته باشد و دائماً با تعاریف و مصداق‌ها ذهنش تربیت فلسفی پیدا می‌کند.

وقتی کودک از ابتدا عادت کند و یاد بگیرد از مقوله‌هایی که با آن‌ها سروکار دارد، تعریف دقیق و درستی ارائه دهد، قطعاً در نحوه تفکر او اثر مثبتی خواهد گذاشت. همان‌طور که ما در کارهای خارج از کشور می‌دیدیم که بچه‌ها را از ابتدا به همین شکل تربیت می‌کنند و مثلاً کودک باید می‌توانست چیزی مثل «آب» را تعریف کند.

ما طی کار روی این پروژه، با برخوردهای متفاوتی از سوی افراد گوناگون و حتی بزرگسالان و معلمان روبه‌رو بودیم. از جمله می‌پرسیدند: «این کار شما به چه دردی می‌خورد؟» یا می‌گفتند: دایره‌المعارف خیلی مهم‌تر است، بچه‌ها خودشان می‌دانند که «آب» چیست و نیازی به تعریف آن ندارند. برخی والدین می‌گفتند: فرزند ما در مدارس تیزهوشان قبول شده است و این موضوعات برایش خیلی ساده هستند. اما وقتی از همان دانش‌آموز می‌خواستیم «آب» را تعریف کند، نمی‌توانست. حتی سراغ مفاهیم علمی می‌رفتیم که جزو درس‌های دانش‌آموزان بود، اما آن‌ها را موفق نمی‌دیدیم. در برخورد یک دانش‌آموز بسیار خوب، به یاد دارم که نمی‌توانست «استوار» را

تعریف کند و مفهوم روشنی از آن در ذهن نداشت. این یعنی دانش‌آموز از لحاظ واژگانی بضاعت چندانی ندارد و از نظر ما مسئله مهمی بود. وقتی با برخی معلمان هم موضوع را مطرح می‌کردیم و از آن‌ها می‌خواستیم مقوله‌ای مانند «آب» را تعریف کنند، می‌گفتند: «آب یعنی همان چیزی است که...» یا «آب یعنی همین...»، در حالی که این‌ها واقعاً تعریف نیستند.

این موضوعی است که در کشورهای غربی - لاقلاً انگلیس و فرانسه - طی آموزش به بچه‌ها دنبال می‌کنند تا بتوانند با استفاده از کلمه‌ها، کلمه را معنا کنند. وقتی به این توانایی رسیدند، یعنی وقتی توانستند فکرشان را با استفاده از کلمات دقیق‌تر و با انتخاب‌های سنجیده‌تر از میان واژه‌ها، بیان کنند، یعنی به رشد زبانی و ذهنی رسیده‌اند. در این راستا، رجوع به فرهنگ لغت می‌تواند به این رشد کمک کند. در واقع مسئله فقط این نیست که چون کودک معنی کلمه را نمی‌داند، به فرهنگ لغت مراجعه کند. با رجوع به لغت‌نامه، کودک دائماً در حال بازسازی و عمیق‌تر کردن زبان و واژگان خود است؟

■ شما علت این خلأ را چه می‌دانید؟ می‌توان گفت چون احساس نیاز نمی‌کنیم، به سمت تألیف فرهنگ‌نامه نمی‌رویم؟

بله، متأسفانه در این‌جا هنوز احساس نیاز نشده است که علت‌های گوناگونی هم دارد. یکی از علت‌ها به تاریخچه این موضوع برمی‌گردد. در مقام مقایسه، کشورهایی مانند انگلستان یا فرانسه بسیار زودتر از ما به این موضوع پرداخته و توجه کرده‌اند مثلاً ناشر بزرگی مثل «لاروس»، نخستین آثاری که در حوزه فرهنگ‌نویسی انجام داده است، به ۱۵۰ سال پیش برمی‌گردد. ناشران دیگری مثل «روبر» و «اکسفورد» نیز در امر فرهنگ‌نامه‌نویسی سابقه طولانی دارد اما متأسفانه ما به دلایل متفاوتی چنین پیشینه‌ای نداریم. وضعیت اجتماعی - فرهنگی ما در ۱۰۰ سال پیش، با همین برهه زمانی در فرانسه یا انگلستان قابل مقایسه نیست و ما خیلی دیرتر وارد این حوزه شدیم.

در حال حاضر هم جامعه به دلایل گوناگون نسبت به این موضوع احساس بی‌نیازی می‌کند. البته این بی‌نیازی را کودک یا دانش‌آموز ما احساس نمی‌کند، چون هرچه را که در اختیار آن‌ها قرار می‌دهیم، دنبال می‌کنند. پس این نیاز باید در بزرگسالان اعم از والدین و معلمان ایجاد شود.

در خارج از کشور، فرهنگ رجوع به لغت‌نامه وجود دارد. مثلاً در کلاس‌های درس، در کنار دایره‌المعارف حتماً لغت‌نامه نیز وجود دارد و بچه‌ها همراه با معلم خود به آن مراجعه می‌کنند. متأسفانه این فضا میان ما شکل نگرفته است. مهم‌ترین مسئله این است که نظام آموزشی ما باید این فرهنگ را تزریق کند که هنوز ما شاهد چنین تزریقی نیستیم. نشانه این موضوع هم کتاب‌های فارسی دوره دبستان هستند. بین درس‌های این کتاب‌ها، شما چیزی به اسم معنای کلمه نمی‌بینید. سال ۱۳۷۹ که کتاب‌های «بخوانیم و بنویسیم» منتشر شدند، اثری از معنای کلمه‌ها در این کتاب‌ها نبود. اگر اشتباه نکنم، بعداً واژه‌نامه‌ای را به آخر این کتاب‌ها اضافه کردند. ولی باید توجه داشت که دوره دبستان و در هر درسی، دانش‌آموز باید مهارت‌های زبانی را بیاموزد که روال

خودش را دارد. درک مطلب، نوشتن، افزایش حوزه واژگانی و... حوزه‌هایی هستند که باید به هر کدامشان به‌طور خاص پرداخته شود، ولی جای آن‌ها در کتاب‌ها خالی است. به یاد داشته باشیم که باید کودک را نسبت به موضوعی حساس کنیم تا برایش سؤال پیش بیاید. حالا اگر سؤالات واژگانی برای دانش‌آموزان پیش بیاید، معلم چه منابعی در اختیار دارد که به بچه‌ها معرفی و یا سر کلاس از آن استفاده کند؟

قطعاً فرهنگ‌نامه‌هایی که من و همسر من به اتفاق تألیف کرده‌ایم، دارای کاستی‌هایی هستند، اما معلم‌های ما همین‌ها را هم نمی‌شناسند. من تا به حال بارها با معلم‌ها، خانواده‌ها و بچه‌هایی برخورد کرده‌ام که اصرار داشته‌اند فرهنگ فارسی معین، دهخدا، یا عمید را تهیه کنند. مثلاً در نمایشگاه کتاب، برخی والدین اصرار داشتند که فرهنگ معین را برای فرزندشان تهیه کنند، چرا که معلم از آن‌ها خواسته بود. در حالی که دانشجویان رشته ادبیات فارسی هم وقتی کار تحقیق ادبی دارند، به فرهنگ معین رجوع می‌کنند. این کتاب اصلاً برای بچه‌های دوره ابتدایی قابل استفاده نیست. گاهی حتی برای بچه‌ها فرهنگ دهخدا و در بهترین حالت فرهنگ عمید را می‌خواستند، و چون معلم از آن‌ها خواسته بود، به راهنمایی‌های ما اعتماد نمی‌کردند.

■ شما در زمینه تألیف کتاب‌های مرجع و فرهنگ‌نامه‌ها با مشکل خاصی هم روبه‌رو بوده‌اید؟

درباره فرهنگ‌نامه‌ها که برای خود ما بسیار مهم هستند، مسئول «انتشارات محراب قلم» بسیار با علاقه و مسئولانه پیشنهاد ما را برای فرهنگ‌نامه‌نویسی پذیرفتند و از این نظر ما مشکلی نداشتیم. جای سپاس‌گزاری دارد که گرچه هنوز فرهنگ‌نامه‌ها در جامعه شناخته شده نیستند، ولی ناشر محترم با روی گشاده تولید آن‌ها را پذیرفتند و هر زمان هم که ما را می‌بینند، سراغ ویرایش جدید را از ما می‌گیرند. این جای سپاس‌گزاری دارد.

اما آن‌چه که غیر از مسئله نشر وجود دارد، این است که کاری مثل فرهنگ‌نامه‌نویسی، پشتوانه فرهنگی و مالی گسترده‌ای لازم دارد و ما واقعاً با دست خالی این کار را انجام دادیم و چون علاقه داشتیم، به خیلی از مسائل و مشکلات توجه نکردیم. تا جایی که من می‌دانم، در کشورهای پیشرفته چنین کارهایی با پشتوانه و سرمایه‌گذاری‌های گسترده‌ای، چه از سوی ناشر چه از سوی دولت، انجام می‌شود. ولی متأسفانه در ایران چنین نیست.

■ حالا گریزی هم به جشنواره رشد بزنیم. شما با معیارهای جشنواره رشد آشنایی دارید؟

بله. کتابچه‌هایی را که معیارها در آن‌ها معرفی شده‌اند، مطالعه کرده‌ام.

خانواده‌ها دنبال این نیستند که بچه‌ها در کنار درس، چه کتاب‌هایی بخوانند که اطلاعاتشان عمیق‌تر شود بلکه بیشتر به دنبال کتاب‌های کمک‌درسی هستند تا فرزندشان نمره بهتری کسب کند

■ به نظر تان این معیارها با نیازهای مخاطبان هم‌سو هستند؟

این معیارها خیلی خوب‌اند، اما به نظرم ما دچار شعارزدگی هستیم. شعارهای خیلی خوبی می‌دهیم، ولی در حد شعار باقی می‌مانند و در صحنه عمل اتفاق به گونه دیگری می‌افتد. معیارهای جشنواره رشد هم برای انتخاب کتاب خیلی خوب هستند، اما آن‌چه که ما در عرصه اجتماع می‌بینیم، این است که خانواده‌ها و مدرسه در پی آن هستند که بچه‌ها درس‌هایشان را بهتر بخوانند و نمره بهتری به دست آورند. یعنی خانواده‌ها دنبال این نیستند که بچه‌ها در کنار درس، چه کتاب‌هایی بخوانند که اطلاعاتشان عمیق‌تر شود، بلکه بیشتر به دنبال کتاب‌های کمک‌درسی هستند تا فرزندشان نمره بهتری کسب کند. همین موضوع بازار کتاب را هم تحت تأثیر قرار داده است.

■ پس شما فکر می‌کنید جشنواره رشد در حوزه شعار بهتر از حوزه عمل کار کرده

است؟

من این‌طور فکر می‌کنم. البته شاید هم این مسئولیت جشنواره رشد نباشد و به نظام آموزشی ما مربوط باشد. معلم ما خودش چند نویسنده یا مترجم کودک و نوجوان را می‌شناسد؟ تا چه اندازه اهل مطالعه است تا بتواند کتاب‌های خوب را به بچه‌ها معرفی کند؟ آیا اصلاً این فضا برای معلمان ما وجود دارد؟ در این زمینه مسئله‌های بسیار زیادی مطرح‌اند که به هم وابسته‌اند و همین باعث پیچیدگی و ابهام موضوع شده است.

■ امسال نخستین سالی بود که اثری از شما در جشنواره رشد برگزیده شد. با این

توصیف آیا انگیزه‌ای دارید که با معیارهای جشنواره پیش بروید و یا فکر می‌کنید ادامه روند قبلی تان بهتر است؟

صادقانه بگویم که ما این معیارها را می‌بینیم. قطعاً به عنوان کسانی که در حوزه تألیف برای کودکان و نوجوانان کار می‌کنیم، باید به این معیارها توجه کنیم. ولی اساساً ما فکر می‌کنیم هر کسی معیارهای خودش را دارد.

جشنواره رشد این معیارها را تعیین می‌کند، اما تا چه اندازه نویسندگان و مترجمان خودشان را ملزم به رعایت این معیارها می‌دانند؟ اگر همه بخواهند چنین کاری کنند، به یک کار مکانیکی تبدیل می‌شود. هر کسی با توجه به علائق و سلائق خودش موضوعی را انتخاب می‌کند و با توجه به توانایی‌های علمی که دارد، فعالیت می‌کند. به نظرم مسائل شخصی خیلی در این زمینه دخیل هستند، چه در حوزه تألیف و چه در حوزه ترجمه. در حوزه تألیف قطعاً به خلأهایی که در جامعه وجود دارد و نیز علاقه‌های خودمان بیشتر توجه داریم، چون ما برای بچه‌ها کار می‌کنیم نه برای جشنواره‌ها.